

به میرزا ملکم خان

جناب جلالتمآب ناظم الدوله دام مجدالعالی^۱

مرقومه عالی رسید از صحت مزاج شریف محظوظ گشتم چون رسم نیست که یک شخص معزز محترمی را بجوابهای ملبس بلباس پلیتیک معطل نگاهدارم و جواب را از این چاپاربان چاپار بگذارم، این است که جواب جناب عالی را پوست کنده و صریح زحمت میدهم. راست است چند وقتی بود که بنا بغیرت و وطن پرستی بعضی مذاکرات من می کردم و به شنیدن و گفتن بعضی مطالب هم بی میل نبودم ولی از وقتی که بدو کرور ضرر بر خوردم هم صرف اصلاح امورات شخص خودم گشت، بکلی از آن مذاکرات صرف نظر کردم و بخاطر شریف جناب عالی هم استحضار می دهم که من درین عنوانات نیستم و بعضی عرایض را تکلیف خودم نمی دانم که در خاکپای مبارک اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی ارواحنا فداه عرض و اظهار نمایم. البته جناب عالی هم بتکلیف نمک بحلالی و درستی خودتان عمل خواهید کرد و اگر رساندن بعضی عرایض را بسمع مبارک لازم میدانید بتوسط دیگری خواهید رسانید. اینجانب بکلی در این مطالب صرف نظر دارم و خیلی افسرده و دلتنگ و بعبارت آخری از خودم و دنیا و بزرگی و از همه چیز بیزارم. فی شهر جمادی آخر. ۲.